فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc526326343)

[انواع تغییر و تحول موضوعی 2](#_Toc526326344)

[درجات و سطوح موضوعات جدید در فقه 2](#_Toc526326345)

[شعبات سطح سوم مسائل مستحدثه فقهی 5](#_Toc526326346)

[مقدمه سوم: ظرفیت مسائل روابط اجتماعی برای کتاب جدید فقهی 6](#_Toc526326347)

[مقدمه چهارم: مفهوم‌شناسی واژه روابط اجتماعی 7](#_Toc526326348)

[معنای خاص و عام واژه اجتماعی 7](#_Toc526326349)

[روابط اجتماعی به معنای عام 7](#_Toc526326350)

[روابط اجتماعی به معنای خاص 8](#_Toc526326351)

[مقصود از روابط اجتماعی 8](#_Toc526326352)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه روابط اجتماعی /مقدمات (تطور دانش فقه)

# اشاره

بعد از کتاب تعلیم و تربیت به‌عنوان یک کتاب از کتب فقهی یا به‌عنوان فقه تعلیم و تربیت، وارد یک مبحث و کتاب جدید با عنوان کتاب المعاشرة یا فقه روابط اجتماعی می‌شویم که به شکل یک کتاب جدید در عداد سایر کتب فقهی می‌توان آن را سامان داد و به وجود آورد.

قبل از آنکه وارد محورهای اصلی بحث در روابط اجتماعی بشویم، یک سلسله مقدماتی را بیان کردیم.

بحثی راجع به تطویر و تطور و تحول و تغییراتی که در فقه رخ می‌دهد و محورهایی را از آن ذکر کردیم، گفتیم که این تغییر و تطورات گاهی در نوع استدلال و تعمیق و تعمق استدلالات است و احیاناً پاسخ‌های جدید و استدلال‌های جدید به موضوعات کهن است و گاهی این تغییر و تحولات در موضوعات است.

## انواع تغییر و تحول موضوعی

در تغییر و تحول موضوعی هم گاهی موضوع قدیمی شکل و شمایل جدید پیدا می‌کند، گاهی موضوعات جدیدی پیدا می‌شود و به طور کامل جدید است.

نوع دیگر تغییر و تحولات در موضوعات قدیم است، این موضوعات حتی در منابع و متون هست اما تا الآن فقهای ما به آن‌ها توجه نکرده‌اند یا در فقه به آن نپرداختند یا با نگاه جدیدی با توجه به تحولاتی که در دنیا رخ‌داده است، از درون متون و منابع بیرون می‌آوریم و موردبحث قرار می‌دهیم که در فقه روابط اجتماعی بخش زیادی از این محورها چیزهایی است که در متون و منابع ما وجود داشته است، منتهی با منهج اجتهادی و فقهی مورد بحث قرار نگرفته است.

## درجات و سطوح موضوعات جدید در فقه

مقدمه دیگری که با این بحث ربط دارد این است که جایی که می‌خواهد موضوعات جدید در فقه مطرح بشود، درجات و سطوحی دارد:

1. یک سطح این است که مسئله جدید در ساختار ابواب و کتب موجود فقه قرار می‌گیرد، این مسائل مستحدثه نام دارد، وقتی بحث اوقات نماز مطرح می‌شود، در درون اوقات نماز جای دارد که سؤال بشود که وقت نماز در کره ماه یا در وراء کره زمین چه طور تعیین می‌شود؟ ما کتاب الصلاة داریم و فصل وقت هم داریم، منتها یک‌زمانی این مسئله در آن جای نداشته است، برای اینکه مورد ابتلای بشر نبوده است، الآن مورد ابتلا است. فضا نوری که به ‌کُرات دیگر می‌رود، اوقات نماز برای او چگونه تعیین می‌شود، این یک مسئله جدید است، این مسئله جدید در سازمان فقه جا دارد، یک‌بخشی از فقه کتاب الصلاة است، در کتاب الصلاة یک بخش از مقدماتش وقت است، در وقت هم یک مسئله جدید پیدا شده است.

مسائل مستحدثه‌ای است که در فقه موجود جای آن مشخص است، مسئله‌ای جدید در جایگاه معین خود جای می‌گیرد، خیلی از مسائلی که در آخر رساله‌ها یا کتب فقهی به‌عنوان مسائل مستحدثه ذکر می‌شود یا بحث می‌شود، این‌ها به لحاظ جایگاه و موضع آن‌ها در قفسه فقه مشکلی وجود ندارد، طبقه‌بندی و قفسه ابواب فقهی یک سامانه‌ای دارد که مشخص است که این مسئله در این قفسه و در این جایگاه قرار می‌گیرد.

2. گاهی یک درجه از این بالاتر است، گاهی یک مجموعه مسائلی در یک بابی و کتابی از کتب فقهی پیدا شده است که این تک مسئله نیست و مسئله خیلی معمولی هم نیست، بلکه مجموعه مسائل در یک بحثی است که اقتضا می‌کند که در این کتاب فقهی یک‌فصل و باب پیدا بکند، اهمیتش به این صورت است، در کتاب فقهی یک‌فصل یا بابی پیدا بکند، مثلاً بحث معاملاتی که شرکت‌های هرمی انجام می‌دهند، این معاملات و بیع و دادوستدی که می‌شود، در باب شرکت‌های هرمی یک مسئله جدیدی است، کتاب فقهی‌اش بیع است، اما تک مسئله نیست، بلکه مجموعه مسائل است که از اهمیت بالایی برخوردار است و این ظرفیت را دارد که به‌عنوان یک باب و یک‌فصل در کتاب کلی فقهی موجود قرار بگیرد، در خیلی از موارد مسائل مستحدثه‌ای داریم که تک مسئله نیست که در جای معین مثل وقت قرار بگیرد، بلکه مجموعه مسائل در یک حوزه‌ای است، منتهی این مجموعه مسائل کتاب جدید فقهی نیاز ندارد، اما یک ‌فصلی در کتب موجود می‌خواهد، این تابع اهمیت و حجم آن مسئله هست، منتهی در سطح یک و دو نیازمند تأسیس کتاب جدید فقهی از مدل کتاب‌های پیشین نیستیم، بلکه در همان کتب به‌عنوان یک مسئله یا یک‌فصل جا دارد، البته تشکیکی است، می‌تواند مراتب کم یا زیاد داشته باشد.

3. سطح سوم؛ سطحی است که مجموعه مسائلی پیرامون یک موضوعی پیدا شده که این موضوع در چند کتب فقهی ما نیست، حدود شصت کتاب فقهی داریم، مشاهده می‌کنیم که این مجموعه مسائل در این‌ها نیست یا اگر هست حالت استطرادی دارد، هویت مستقلی در این کتب فقهی ندارد.

سطح سوم که سطح گسترده‌تر است، اقتضای تأسیس یک کتاب‌های جدیدی در فقه، در عداد و عرض آن کتب دیگر دارد، به طور مثال از طهارت تا دیات که مشاهده می‌کنیم، عنوان تعلیم و تربیت نیامده است، همچنین مسائلی که امروزه تعلیم و تربیت دارد، مسائل بسیار وسیع و گسترده است، در این ابواب موجود و کتب جدید هم نمی‌گنجد، لازمه‌اش این است که یک کتاب جدید تأسیس بشود.

به‌صورت پراکنده مسائل تعلیم و تربیت در فقه ذکرشده، اما پراکنده است، هویت مستقل در حد یک کتاب یا فصلی در یک کتاب فقهی ندارد، از طهارت تا دیات مجموعه مسائل مستحدثه یا حتی مسائل قدیمی جای مناسب ندارد، باید یک کتاب جدیدی ایجاد شود.

با قطع‌نظر از اینکه چطور فقه را طبقه‌بندی بکنیم، طبقه‌بندی کتب فقهی مثل شرایع یا مثل شهید صدر یا امثالهم باشد، با قطع‌نظر از اینها در کتب موجود مجموعه مسائل جایگاه و هویت مناسب و مستقل ندارد.

این سطح سوم هست که می‌تواند در مسائل جدید موردتوجه قرار بگیرد و در کنار کتاب‌های موجود فقهی باید پایه‌ریزی بشود.

مثلاً مکاسب محرمه در یک‌زمانی خیلی جدا نبوده، ضمن بیع به آن اشاره می‌شده است و بعد به دلیل گستردگی و اهمیتش جدا شده است و به‌عنوان چیز جدیدی تأسیس‌شده.

به این صورت زیاد بوده که جزء کتاب بوده و بعد گسترده شده و کتاب مستقل شده است، اینکه چیز جدیدی ایجاد بشود حتماً وجود دارد، مثلاً امربه‌معروف و نهی از منکر کتابی نبوده است، به‌مرور کتاب شده است در ذیل کتاب جهاد بود.

کتاب جدید در اثر توسعه کتاب قبلی احداث شده است، اما اینکه چیزی تازه باشد، در کتب فقهی ظاهراً نیست، اما در عصر ما کتاب‌های جدید باید احداث بشود چراکه مجموعه مسائل نویی است که در قفسه‌بندی کتب فقهی نمی‌گنجد، حدود بیست سال است که در حدود ده عنوان را پیگیری می‌کنیم، وقتی سخن از فقه معاصر یا تطور فقه یا مباحث جدید به میان می‌آوریم، مقصودمان یکی از این سه سطح است.

یک سطح این است که مسائل جدید هر باب فقهی در کتب موجود مشخص بشود و در آن‌ها محل بحث قرار بگیرد، خیلی باید کار بشود و کم است، بعضی روی این مسائل کارکردند.

سطح بالاترش این است که یک ابوابی در همین کتب باید احداث و ایجاد و تأسیس بشود، این هم یک ضرورت است، منتهی این دو ضرورت کمی آسان‌تر است، برای اینکه نمی‌خواهیم کتاب نو فقهی را ایجاد بکنیم، مسائل نو در حد تک مسئله یا فصل و باب در دل کتاب‌ها و ابواب موجود محل بحث قرار بگیرد. سطح سه می‌گوید که کتاب‌های جدید فقهی باید تأسیس بشود، مجموعه مسائلی که در حال حاضر در طبقه و قفسه موجود نمی‌گنجد.

تغییرات دیگری هم در این نقشه و مهندسی کتب فقهی وجود دارد اما آنچه ذکر شد، سه لایه و سطح پرداختن به مسائل جدید و مستحدثه در فقه است.

البته لایه سوم که مستلزم تأسیس ابواب نو و کتاب‌های جدید فقهی است، این همیشه تابعی از مسائل جدید نیست، برخی موارد هم تابعی از این است که مسائل قدیمی بوده، اما در فقه ذکر نشده است.

## شعبات سطح سوم مسائل مستحدثه فقهی

پس لایه سوم هم به دو شعبه تقسیم می‌شود، یعنی پایه‌ریزی کتاب‌های نو در فقه که ضرورت امروز هست، دو شعبه دارد:

1 – مسائل نویی است که پیدا شده است و در کتاب‌های موجود نمی‌گنجد.

2 – مسائل پیشینی است که در اخلاق یا ابواب دیگر معارف اسلامی بوده و هویت فقهی دارد ولی این هویت فقهی به آن داده نشده است.

امروزه باید به آن‌ها هویت فقهی بدهیم، درواقع همان روش اجتهادی که در تعیین احکام کار می‌کند، در آن‌ها هم فعال بشود.

گاهی هست که کتاب جدید معجونی از این دو شعبه است، هم مسائل جدید در آن پیدا شده، هم مسائل قدیمی وجود دارد که آن‌ها را باید در آن کتاب قرار بدهیم.

کتاب المعاشرة یا فقه روابط اجتماعی از همین قبیل ترکیبی است، یعنی کتاب جدیدی در فقه است، العلاقات اجتماعیة یا فقه المعاشرة یا فقه روابط اجتماعی از این قبیل که هم مسائل جدیدی در آن وجود دارد که باید توجه بشود، هم مباحثی که در کتاب العشرة بوده و فقهای ما برای آن کتاب سازی نکردند و در مهندسی فقه جایی برای آن تعیین نکرده‌اند، به‌عنوان هویت جدید و مستقل باید جایی برای آن تعیین بشود.

در کتاب تعلیم و تربیت مسائل جدید تعلیم و تربیت داشتیم که در فقه تعلیم و تربیت به آن هویت بخشیده شده است و در کتاب جدید به آن پرداخته شده است، هم مجموعه‌ای از مسائل متفرقه قدیمی داشتیم که در کتاب تعلیم و تربیت موردتوجه قرار می‌گیرد، کتاب روابط اجتماعی از همین قبیل است.

روابط اجتماعی، ارتباطات عام اجتماعی که در فقه باید بحث بشود، در سطح سوم باید قرار بگیرد، یعنی باید کتاب جدید فقهی برای آن ایجاد بشود که در این کتاب جدید فقهی هم مسائل متفرقه که در فقه هست می‌آید.

# مقدمه سوم: ظرفیت مسائل روابط اجتماعی برای کتاب جدید فقهی

در مقدمه سوم می‌گوییم: کتاب روابط اجتماعی مصداقی از سطح سوم است که کتاب جدید در فقه تولید می‌شود و این کتاب جدید انواعی از مسائل دارد:

1 – مسائل پراکنده‌ای که در فقه موجود ما هست، ازجمله در مکاسب محرمه موجود است، مثل غیبت، کذب و امثالهم، این‌ها از آداب معاشرت و عناصر مرتبط با روابط اجتماعی بین مردم است، منتهی در آنجا استطراداً به مناسبتی ذکر شده است، درحالی‌که این‌ها را باید در یک جای معین با هویت مشخص روابط اجتماعی قرار بدهیم.

2 – نوع دوم از مسائلی که در این کتاب جدید فقهی می‌آید، مسائلی است که در اخلاق و کتاب‌های اخلاقی در روابط اجتماعی ما آمده است.

3 – نوع سوم در کتب و منابع روایی ما وجود دارد که عمدتاً همان کتاب المعاشرة است، کتاب المعاشرة که در وسائل و بحار و کتب روایی ما ذکر شده است از کتب روایی ما است که فقهای ما با نگاه فقهی بحث نکردند که عمدتاً کتاب العشرة است، کتاب العشرة در وسائل در ذیل ابواب حج آمده است، به مناسبت حج که سفر است، روایاتی در باب آداب سفر آمده است و به این مناسبت العشرة ذکر شده است.

کتاب العشرة در وسائل و بحار یک منبع مغذی کتاب روابط اجتماعی است.

4 – چهارم، سلسله مباحثی که در علوم انسانی امروز آمده است، در بحث‌های جدید دنیای امروز آمده است که هم جامعه‌شناسی و هم در روان‌شناسی ذکر شده است، در روان‌شناسی به‌عنوان روابط میان فردی گفته می‌شود، بخشی از بحث‌های روان‌شناسی فصلی به نام روابط میان فردی وجود دارد، بخشی دیگر هم در ابواب مختلف کتاب‌های علوم اجتماعی می‌آید، عمدتاً در علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی در بخش روابط میان فردی، محورها و مباحثی مطرح می‌شود که آن‌ها از منظر فقهی باید مورد کاوش و تحلیل اجتهادی قرار بگیرد.

بخشی از روابط اجتماعی همین بخش سبک زندگی است، سبک زندگی که «Life Style» گفته می‌شود در غرب به سمت اینکه شاخه علمی بشود و یک هویت رشته‌ای پیدا بکند حرکت کرده است، گاهی هم این‌ها ضمن مباحث اجتماعی مطرح می‌شود، درهرصورت بخشی از این شاخه‌های علوم اجتماعی جدید در موضوع شناسی و تولید موضوعات برای کتاب جدید فقه روابط اجتماعی کمک می‌کند.

در مقدمه اول گفتیم که تطورات و تحولات فقه چگونه رخ می‌دهد؟ در مقدمه دوم گفتیم که این تطورات سطوح متفاوت دارد و یکی از سطوح بالای آن سطح سوم است که پایه‌ریزی یک کتاب جدید می‌شود، در مقدمه سوم هم این دو را تطبیق کردیم و گفتیم که روابط میان آحاد مردم و در میان افراد که به‌عنوان روابط میان فردی یا روابط اجتماعی یا آداب و اصول معاشرت گفته می‌شود، این‌ها همه ظرفیت این را دارد که یک کتاب جدید فقهی به‌عنوان روابط اجتماعی تأسیس بکند، نوع مسائل این کتاب فقهی هم حداقل از این چهار منشأ تغذیه می‌شود که چهار نوع از مسائل داریم که در این مجموعه قرار می‌گیرد، البته نقشه‌ای می‌خواهد که بیان خواهد شد.

# مقدمه چهارم: مفهوم‌شناسی واژه روابط اجتماعی

مقدمه چهارم این است که گفته شود مقصودتان از این روابط اجتماعی چیست؟ مقصودتان از روابط اجتماعی یا روابط میان فردی که روان‌شناسی گفته می‌شود؟ گاهی در این مورد بحث کردیم، وقتی روابط اجتماعی یا عام اجتماعی یا روابط میان فردی یا روابط که به‌عنوان معاشرت‌های اجتماعی گفته می‌شود، نام می‌گذاریم، چند نکته را در اینجا توجه بکنیم تا حدود کتاب فقهی در مقدمه چهارم روشن‌تر بشود:

مطلب اول این است که وقتی می‌گوییم روابط اجتماعی، دو واژه در اینجا به‌کاررفته است، یک واژه روابط است که بعد بیان می‌کنیم، یک بحث اجتماعی است.

## معنای خاص و عام واژه اجتماعی

اجتماعی از واژه‌هایی است که مفاهیم متعدد دارد، مفهوم اجتماعی یا بُعد اجتماعی محل بحث قرارگرفته که مقصود چیست؟ حداقل آن چیزی که با بحث ما ارتباط دارد بیان می‌کنیم، یک‌وقت واژه اجتماعی که در اینجا می‌گوییم، به معنای عام به کار می‌بریم، یک‌بار هم اجتماعی را به معنای خاص به کار می‌بریم.

## روابط اجتماعی به معنای عام

روابط اجتماعی به معنای عام هر نوع ارتباطی است که بین آحاد بشری با هر عنوان از عناوین اقتصادی و سازمانی و حکومتی و مدیریتی و امثالهم برقرار می‌شود، این مفهوم از روابط اجتماعی یک دائره بسیار وسیع دارد، رابطه‌ای که کارفرما و کارگر پیدا می‌کنند را هم در بر می‌گیرد، رابطه‌ای که حاکم با رعیت دارد را هم در بر می‌گیرد، همچنین رابطه بین مدیر و سازمان، رابطه‌ای که در شرکت تجاری میان شرکا برقرار می‌شود، همه این‌ها به‌نوعی روابط اجتماعی است، در اینجا اجتماع به معنای عام است، یعنی همین‌که فرد از خودش بیرون آمد و مقابل فرد دیگر است، تا وقتی‌که فرد در درون خودش است، این یک بحث فردی است، همین‌که فرد با دیگری یک رابطه‌ای برقرار می‌کند اجتماعی می‌شود، منتهی این رابطه اجتماعی می‌تواند اقتصادی، سیاسی و امثالهم باشد، این مفهوم عام روابط اجتماعی است.

## روابط اجتماعی به معنای خاص

اما روابط اجتماعی به معنای خاص داریم که به معنای خاص اجتماع است، اگرچه مراتب دارد، اما ما تا حدی محدودش می‌کنیم، روابط اجتماعی به معنای خاص؛ مقصود آن روابط اجتماعی است که میان آحاد مردم در خالص‌ترین وجهی که میان مردم است، برقرار می‌شود، یعنی با قطع‌نظر از آن عناوین خاصی که عارض بر این افراد می‌شود، روابط اجتماعی در اینجا مقابل روابط سیاسی است که بین حکومت و مردم برقرار می‌شود، غیر از روابط بین‌الملل که بین حکومت‌ها برقرار می‌شود، غیر از روابطی است که میان انسان‌ها از باب مبادلات تجاری برقرار می‌شود، غیر از روابطی است که میان آدم‌ها از حیث خانواده برقرار می‌شود.

روابط اجتماعی در معنای دوم؛ یعنی آن روابطی که میان آدم‌ها در سطوح انسانی کلان برقرار می‌شود، رنگ خاص حاکمیت و سیاست و اقتصاد و امثالهم پیدا نکرده است، این مفهوم خاص روابط اجتماعی است.

## مقصود از روابط اجتماعی

مقصود از این روابط اجتماعی؛ روابطی که میان انسان‌ها به ما أنّهم بشر و انسان برقرار می‌شود - یک مقدار تعمیم دادیم – یا از جهت اینکه اهل کتاب هستند یا از جهت اینکه مسلمان هستند یا از جهت اینکه شیعه و پیروان مذهب شیعه هستند، تا این اندازه روابط اجتماعی به معنای خاص را می‌گوییم، اما وقتی بحث حکومت، اقتصاد، سیاست، سازمان، مدیریت، حتی خانواده و امثالهم هست، کتاب روابط اجتماعی کاری به این‌ها ندارد، برای اینکه مرز این کتاب با بقیه مسائل محفوظ بماند.

ما می‌گوییم در این کتاب؛ روابط اجتماعی به معنای خاص در نظر می‌گیریم، نه روابط اقتصادی، نه روابط سیاسی، نه روابط بین‌الملل، نه حتی روابط خانوادگی، نه روابط سازمانی و مدیریت، این‌ها در جایگاه‌های دیگری قرار می‌گیرد، یکی فقه سیاسی نام‌گذاری می‌شود، دیگری فقه خانوادگی و الی‌آخر، چیزی که هیچ کجا در ابواب خاص نیست، روابطی است که میان انسان‌ها از حیث اینکه انسان هستند، قرار می‌گیرند.

برای اینکه کمی به ابواب دیگری هم بپردازیم که در جای دیگر نیست، می‌گوییم که از حیثی که این‌ها مسلمان یا اهل کتاب هستند، اما در همین لایه‌های عمومی مطرح می‌شود که روان‌شناسی وقتی می‌گویند روابط میان فردی مقصود همین است، یعنی روابطی که بین افراد برقرار است، قبل از اینکه بحث سیاست و اقتصاد و امثالهم مطرح بشود، از حیث بشری و انسانی، آدم‌ها باهم روابطی دارند، اما در اینجا عناصر دینی و مذهبی را هم دخالت می‌دهیم، یعنی عنصر انسانی و دینی و مذهبی در فهرست این مباحث کتاب روابط اجتماعی دخالت دارد.

وقتی به حسادت یا تکبر یا اکرام و احترام یا بغض و کینه یا مدارا و خشونت به عنوان مسائلی از بحث روابط اجتماعی می‌پردازیم، درست است که به عنوان نگاه کلان انسانی و دینی و روابط میان فردی و اجتماعی می‌پردازیم، اما درعین‌حال در خیلی از موارد چون بحث را مطرح می‌کنیم، ممکن است وارد حوزه اقتصادی و سیاسی و خانوادگی‌اش هم بشویم یا حوزه روابط معلم و متعلم هم بشویم که در مجموعه بحث به آن‌ها هم بپردازیم، علتش این است که وقتی بحث را در سطح کلان مطرح می‌کنیم، لایه‌های پایین‌تر هم که مباحث استادی و شاگردی است یا پدر و مادر و فرزند است یا حاکمیت و مردم است، می‌شود در ادامه به آن‌ها هم توجه کرد، اما در فقه روابط اجتماعی استطراداً آن‌ها را می‌آوریم و جای آن‌ها در فقه تربیتی یا فقه سیاسی یا فقه خانوادگی است، منتهی در مقام بحث، دامنه بحث را تا اینجا می‌کشانیم، اما بخواهیم منطقی بگوییم مقصودمان از روابط اجتماعی چیست؟ اصول و قواعد و ضوابطی که بر روابط اجتماعی حاکم است، مقصودمان از روابط اجتماعی همان معاشرت‌های عمومی است، روابط عام اجتماعی است، معاشرت‌ها است یا به ‌اصطلاح روان‌شناسی روابط میان فردی است، نه هر نوع روابط اجتماعی به معنای عام، حتی روابط سیاسی و اقتصادی و خانوادگی و امثالهم نیست، این بابی در مقابل آن‌ها است.

سؤال: فقه سیاسی هم کتاب می‌خواهد؟

جواب: بله، ما یک فقه سیاسی می‌خواهیم که یک‌بخشی از آن در کتاب‌های موجود فقهی ما کم‌وبیش هست، ولایت‌فقیه و حاکمیت و امثالهم، اما مقداری آن اصول و ضوابطی که در رابطه حاکم و مردم است، چیزهای زیادی وجود دارد که باید در آن کتاب بیاید، لذا یکی از کتب جدید همین است.

تا اینجا چهار مقدمه ذکر کردیم، تااندازه‌ای در مهندسی فقه جای یک کتاب جدید روشن می‌شود، البته مقدمات دیگری هم هست.